

چستی و چرای

ادبیات قدسی

درآمدی بر روش نامه ادبیات آینی

سید الشاه



چیستی و چرایی ادبیات قدسی درآمدی بر روش‌نامه ادبیات آیینی

درس‌گفتارهای سیدعلی شجاعی
به اهتمام مریم ولی

نیستان هنر

شجاعی، سید علی.
چیستی و چرایی ادبیات قدسی؛
درآمدی بر روش‌نامه ادبیات آیینی. سید علی شجاعی.
تهران: نیستان هنر، ۱۴۰۱.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۳۳۵-۲-۵
ادبیات دینی. داستان‌های مذهبی.
به اهتمام مریم ولی.
PIR ۳۴۴۲
۸۳۱ / ۹۳۱
۹۱۳۷۵۰۴

چیستی و چرایی ادبیات قدسی
درآمدی بر روش‌نامه ادبیات آیینی
درس‌گفتارهای سید علی شجاعی
به اهتمام مریم ولی
طرح جلد از حمید مازیار
نیستان هنر
چاپ اول ۱۴۰۲ ۸۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۳۳۵-۲-۵
چاپ و صحافی: سپیدار
نیستان: ۲۲۶۱۳۴۴۳-۵
۵۵۰۰۰ تومان
ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲
www.neyestanbook.com

چیستی و چرایی ادبیات قدسی
درآمدی بر روش‌نامه ادبیات آیینی

آن جا و آن وقت که ادبیات قدسی را پدری است
این صفحات یک سر جسارت
که نه این قلم را و نه هیچ ش، نشاید نوشتن.
امید که سید مهدی شجاعی،
مهربان ترین و بایدترین پدر برای ادبیات آیینی،
چنین خطا به دیده عفو بنگرد، که این درآمد
نه جز تحریر آنچه آموخته‌ام از او...

فهرست

پیشگفتار.....	۹
فصل اول: اهمیت منابع مطالعاتی و جایگاه پژوهش.....	۱۷
فصل دوم: ادبیات آیینی در مقام تألیف از منظر درون دینی.....	۲۳
فصل سوم: ادبیات آیینی در مقام تألیف از منظر برون دینی.....	۶۵
فصل چهارم: ادبیات آیینی در مقام مؤلف.....	۷۳
فصل پنجم: خلاقیت در ادبیات آیینی.....	۸۱

پیشگفتار

رمان تاریخی شکلی از روایت داستانی و ترکیبی از داستان و تاریخ است. در رمان تاریخی از قالب داستان برای روایت تاریخ استفاده می‌شود و عنصر تخیل به مثابه ابزاری برای به نمایش گذاشتن دوره‌ای از تاریخ و شرح رویدادهای مربوط به آن دوره مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از تعریف رمان تاریخی در این بخش، معرفی گونه‌ای از ادبیات، به نام ادبیات آیینی است که دین، آداب، تعالیم و آنچه را مربوط به مذهب و دین است، مضمون اصلی و آشکار خود قرار می‌دهد.

فصل مشترک ادبیات آیینی با ادبیات تاریخی، همان مقوله تاریخ است. هر دو، گونه‌ای از ادبیات‌اند؛ اما محتوای تاریخ در ادبیات آیینی با رمان تاریخی متفاوت است. به طور کلی، ادبیات بر دو شکل گسترش پیدا می‌کند: بر مبنای تخیل صرف و یا تخیل بر مبنای واقعیت. رمان تاریخی و ادبیات آیینی در قالب دوم، یعنی تخیل بر مبنای واقعیت جای می‌گیرند. با این تفاوت که در رمان تاریخی الزامی به پایبندی به همه وجوه تاریخ نیست. درواقع، تاریخ می‌تواند به منزله بستری باشد برای روایت یک موضوع تخیلی. این در حالی است که در ادبیات آیینی به طور اعم و رمان آیینی به طور اخص، مقوله تاریخ حول حضور و نقش آفرینی یکی از معصومین بیان می‌شود؛ در واقع، در این ادبیات، تاریخ عنصری ثانویه و یا پیش‌زمینه داستان نیست؛

بلکه اصل است چرا که داستان با حضور معصوم یا اهل بیتی از معصوم شکل می‌گیرد و قصه آن ثابت است و قابل تغییر نیست.

توجه به این نکته ضروری است که رمان آیینی، یک اثر ادبی و متأثر از «ادبیات» است؛ بنابراین نباید آن را با تاریخ‌نگاری و بازنویسی تاریخ و امثال آن یکسان دانست. بازنویسی تاریخ به شکلی زیبا، در حیطه ادبیات آیینی نمی‌گنجد؛ بلکه اثر باید با معیار قواعد کلاسیک داستان‌نویسی، سنجیده شود تا در این قالب جای بگیرد. به‌طور مثال، نمی‌توان رمانی را که محوریتش عاشورا است، با جملات شاعرانه و نثر ادبی به سبک مقاتل نوشت و ادعا کرد که رمان آیینی خلق شده است. چنین اثری جزو ادبیات آیینی نیست؛ بلکه همان گزارش تاریخی یا تاریخ‌نویسی است. می‌توان این سخن علامه جعفری را که: «حاضر هر چه دارم ببخشم، ولی ای کاش می‌شد ویکتور هوگو زنده می‌شد و برای امام حسین (علیه السلام) و درباره عاشورا رمان می‌نوشت» مصداقی برای جنبه دراماتیک و ادبی بودن رمان آیینی دانست.

از سوی دیگر، تاریخ‌نویس با حقایق مسلم سر و کار دارد؛ اما نگارنده یک رمان آیینی می‌تواند در راستای حفظ اعیان، یک دنیای تخیلی بسازد. به عبارت دیگر رمان آیینی، همانند سایر گونه‌های ادبی با ظرافت هنری خلق می‌شود و دارای قاعده و قوانین خاص نظیر شخصیت‌پردازی، فضاسازی، تعلیق و... است.

نویسنده رمان آیینی، گاه برای پیشبرد داستان می‌تواند به خلق شخصیت‌ها و وقایع ساختگی بپردازد. این شخصیت‌ها و وقایع در منابع تاریخی وجود ندارند و تنها ساخته و پرداخته ذهن نویسنده هستند و نقش مهمی در گسترش مضمون، جذابیت داستان و روشن‌تر شدن شخصیت اصلی داستان ایفا می‌کنند. این در حالی است که تاریخ‌نگاری یا بازنویسی تاریخ غالباً عاری از این ظرافت‌های ادبی و هنری است.

آنچه رمان آیینی را از سایر گونه‌های ادبی متمایز می‌کند به شرح زیر است:

۱. اولین و مهم‌ترین تفاوت ادبیات آیینی با همه گونه‌های ادبی تا به امروز، مقوله «مضمون» است. در طول تاریخ ادبیات، همه مکتب‌های ادبی از ابتدا (قرن پانزدهم میلادی به بعد)، به گونه فرمالیستی طبقه‌بندی شده‌اند. اگرچه برخی مکتب‌ها نگاهی هم به مضمون داشته‌اند؛ ولی در نهایت تغییر و تحول‌شان در قالب فرم بوده و نه محتوا. به بیان دیگر در همه مکتب‌های ادبی، از زمان باروک تا مکتب‌های قرن بیستم، واقعیت بیرونی ثابت بوده است و این نوع نگاه به واقعیت است که دچار تغییر شده.

برای مثال رمانتیست‌ها نگاهی سوپرناتوریستی (حس‌گرا) و رئالیست‌ها نگاهی ابژکتیویستی (واقع‌گرا) به یک مسئله داشته‌اند؛ نویسنده رئالیست هنگام آفریدن اثر افکار و احساس‌های خود را در جریان داستان آشکار نمی‌سازد؛ اما نویسنده رمانتیسم به رؤیا و اندیشه خود بیش از هر انگیزه طبیعی و غیرطبیعی اهمیت می‌دهد؛ با این حال در اصل موضوع تفاوتی اتفاق نمی‌افتد. این در حالی است که ادبیات دینی گونه‌ای از ادبیات است که فصل و محل تمایز آن با سایر گونه‌های ادبی، حضور معصوم در آن است.

در واقع حضور معصوم باعث می‌شود که ادبیات در هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های غربی قابل تفکیک و دسته‌بندی نباشد. بررسی نمونه‌های تولید شده غرب با محوریت قدیسین، شاهی است بر تمایز رمان آیینی با سایر نمونه‌های غرب. در آثار غربی نگاه نویسندگان به قدیسین مانند حضرت مسیح علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام، به مثابه یک آدم معمولی است که امکان خطا دارد. علاوه بر این، در بسیاری از این آثار، قصه افزوده‌ای وجود دارد که اساساً در تاریخ وجود ندارد و گاه مغایرت جدی با باورهای اعتقادی همان مکتب دارد؛ اما در ادبیات آیینی به موضوعی پرداخته می‌شود که

امکان خطا ندارد و معصومی حضور دارد که کلام و رفتارش، کنش و وقایع پیرامونش معلوم است و هیچ گزاره مازادی حول معصوم نمی‌تواند اتفاق بیفتد؛ بنابراین دلیل اطلاق «مکتب» به این گونه ادبی این است که به‌واقع با آثار پیش از این، تفاوت ماهوی دارد. نتیجه آن که دو عنصر «امکان خطا نداشتن» و «پایبندی به واقعه رخ داده»، امتیازی است که ادبیات دینی را از سایر گونه‌های ادبی متمایز می‌کند.

نکته قابل تأمل دیگر در بحث مضمون این است که چون محوریت رمان آیینی براساس احوال حضرات معصومین علیهم‌السلام خلق می‌شود، شاید این شبهه پیش بیاید که تولید آثار آیینی به لحاظ کمی محدودیت دارد و با وجود چهارده معصوم و نیز تعداد محدود و معدود وقایع، سرانجام مضمون‌ها به انتها می‌رسند. در صورتی که این گونه نیست. تولید و خلق آثار در مورد ائمه علیهم‌السلام یک کار تمام‌نشدنی است؛ نه به این دلیل که چون ادبیات آیینی گونه‌ای نوپا است جای کار دارد، بلکه به این دلیل که رمان آیینی با مضامین بی‌شمار سر و کار دارد. این مضامین جنبه معرفتی دارند و دریایی هستند که قطره‌ای از آن درک شده است؛ مضامینی بی‌انتهای و چندوجهی.

مثلاً موضوع عاشورا که تصور می‌شود ادبیات، رسالتش را در مورد تولید آثار ادبی مربوط به آن به کمال رسانده، هنوز جای کار دارد و هم‌چنان هزاران رمان در رابطه با عاشورا می‌توان نوشت. حرکت امام حسین علیه‌السلام را می‌توان هم در وجه سیاست‌مدارانه و زمینی آن مورد بررسی قرار داد و هم وجه آسمانی و معرفتی؛ به‌نوعی منشوری هزار وجه است که می‌توان از هر وجه آن توشه‌ای جدید ره‌آورد مخاطب ساخت.

چیزی که از قلم تراوش می‌کند، خود می‌تواند یک اثر متفاوت باشد. در رابطه با تمامی وقایع مرتبط به ائمه می‌توان به‌صورت معرفت‌جویانه برخورد کرد و مفصلاً به آن پرداخت. بنابراین تألیف در حوزه رمان آیینی متفاوت از

تاریخ‌نویسی است و این‌گونه نیست که با تولید چند جلد معین از مثلاً واقعه عاشورا مضمون تمام شده باشد.

البته به‌رغم متعالی بودن این مضامین، باید این مهم را هم در نظر داشت که اشراف به تاریخ اسلام و تسلط بر منابع تاریخی صرفاً به تولید یک اثر هنرمندانه آیینی منجر نمی‌شود. متأسفانه باوری که در حوزه ادبیات ما وجود دارد این است که از آنجا که مباحث دینی و مذهبی، مضامینی متعالی و ارزشمند هستند، لاجرم اگر در هر ظرف و قالبی به مخاطب ارائه شوند، مورد قبول قرار می‌گیرند.

به تعبیری، به بهانه این‌که همه ادیان و فرقه‌ها و مذاهب در برابر تشیع از مرتبه کمتری برخوردارند، می‌توان «طلا» را در ظرفی «بازیافتی» تحویل مخاطب داد و بعد خود مخاطب را مسئول نپسندیدن آن دانست. سخن زیبا و مضمون متعالی باید در قالب داستان و فرم هنرمندانه و خلاقانه ارائه شوند. بنابراین توجه به این نکته ضروری است که هر هنرمندی پیش از آیینی‌نویسی باید از نویسنده بودن خود اطمینان حاصل کند! بی‌توجهی به قالب و اصول نویسندگی، یقیناً عدم پذیرش از سوی مخاطب را به دنبال دارد. ارزش افزوده نثر و قلم هر نویسنده با نویسندگان قبلی در «هنر» است.

در نهایت، ادبیات داستانی یک فرم غربی است و ادبیات دراماتیک اولیه مربوط به غرب است و به‌ناچار برای تولید یک اثر آیینی هنرمندانه و فاخر، مضامین مذهبی باید در یک فرم غربی پیاده شوند. این اصل در سینما پذیرفته شده است؛ ولی در بخش ادبیات گمان بر این است که همان حکایت‌های ساده و تکراری جواب می‌دهند! در فضای هنر باید بپذیریم که ظرف باید امروزی باشد و سپس مظلوف متناسب با ظرف آماده و به مخاطب ارائه شود.

در حوزه آیینی از آن‌جا که نویسنده با مضامین معرفتی روبه‌رو است، در ابتدا خودش کسب معرفت می‌کند و سپس بخشی از چشیده‌اش را در اختیار

مخاطب قرار می‌دهد. قرار نیست که نویسنده مانند ادبیات قدسین در غرب به قصه‌گویی صرف بپردازد؛ بلکه قرار است هرکدام از این مضامین را درک کند و بعد آن‌ها را در ادبیات دراماتیک جا دهد.

۲. وجه تمایز و تفاوت دیگر ادبیات آیینی با سایر گونه‌های ادبی، این است که گونه ادبیات آیینی، گونه به‌کمال رسیده‌ای نیست و هیچ روش‌نامه و مانیفستی برای آن وجود ندارد. در واقع هر اثری که خلق می‌شود، خودش مکتب‌ساز این گونه است. به این معنا که در خلق آثار غیر آیینی، از اصول و قواعد مکاتب ادبی موجود استفاده می‌شود؛ اما در خلق آثار آیینی هر نویسنده و هر اثر به‌مثابه الگویی برای اثر بعدی و خالقش به شمار می‌آید. در واقع آثار تولیدشده خشتی می‌شود بر روی خشت دیگر این گونه!

نکته قابل‌تأمل دیگر این که به همان میزانی که فضای ادبیات آیینی نوپا است، به‌شدت هم آماج نقد و آسیب و هجمه است. تا جایی که بعد از گذشت حدود سی سال هنوز هم برخی معتقدند رمان آیینی وجود ندارد و برای آن جایگاهی در ادبیات قائل نیستند! و دلیل آن را منوط به روشن بودن آخر داستان می‌دانند و آن را بهانه‌ای برای عدم استقبال از این گونه آثار به شمار می‌آورند. نگاهی به استمرار تولید آثار آیینی و هم‌چنین تأثیر آن‌ها بر مخاطبان، شاید نشانه‌ای برای خدشه‌پذیر بودن این ادعا.

همان گونه که ذکر شد، ادبیات آیینی از هیچ مانیفست تعریف‌شده‌ای تبعیت نمی‌کند. آن‌چه در این کتاب به‌عنوان چستی و چرایی ادبیات آیینی آمده، صرفاً حاصل تجربیاتی است که در این زمینه گردآوری شده و به معنای به معنای خلق یک مانیفست یا بهتر است بگوییم بهترین مانیفست برای رمان آیینی نخواهد بود. امید است که در آینده، روش‌ها و الگوها و قواعد متعالی‌تری مطرح شوند و ادبیات قدسی به کمال نزدیک‌تر شود.

در این اثر ابتدا به بررسی اهمیت منابع مطالعاتی و جایگاه پژوهش در فرایند خلق یک اثر آیینی خواهیم پرداخت. سپس گونه‌های رمان آیینی را در

سه بخشِ رمان آیینی در مقام تألیف از منظر درون دینی، رمان آیینی در مقام تألیف از منظر برون دینی و رمان آیینی در مقام مؤلف مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ و در پایان اشاره‌ای کوتاه به خلاقیت در رمان آیینی خواهیم داشت.

عناوین موضوعات پس از بررسی چگونگی تحقیق، به ترتیب زیر خواهد آمد:

۱. ادبیات آیینی در مقام تألیف از منظر درون دینی:

۱.۱. تاریخی:

الف. زندگی و زمانه معصوم

ب. واقعه تاریخی با حضور معصوم

ج. واقعه تاریخی بی حضور معصوم

د. قصص قرآنی

۱.۲. اجتماعی. امروزی. آپارتمانی:

الف. توحیدی

ب. اخلاقی. آداب زندگی

ج. معجزات و کرامات (شگفت دینی)

د. نوامیس و قوانین خلقت

۲. ادبیات آیینی در مقام تألیف از منظر برون دینی

۳. ادبیات آیینی در مقام مؤلف